

بخش سوم

فصل ششم

بررسی فضایی اوقات فراغت در محله چهارصد دستگاہ

مقدمه:

اوقات فراغت به عنوان پدیده‌ای فرهنگی - اجتماعی که در ابعاد اعتقادی، سیاسی و... نیز مؤثر است، موضوع مشترک بین تمامی اقشار جامعه است. اوقات فراغت به جهت داشتن ویژگی‌های خاص از یک سو مورد توجه دست اندرکاران تعلیم و تربیت و مسئولان امور فرهنگی و از طرف دیگر روانشناسان و جامعه‌شناسان و... قرار گرفته است.

با توجه به اهمیت اوقات فراغت در زندگی انسانها و همچنین بحث بسیار گسترده این مفهوم نگارنده سعی کرده است در این بخش پس از معرفی مقدماتی از اوقات فراغت و عوامل مؤثر بر آن به بررسی کاملاً جداگانه از فضای اوقات فراغت و به طور خاص فضای تغذیه در میدان مورد تحقیق خود پردازد.

این فصل به پرسشهای زیر پاسخ میدهد:

- ۱- مفهوم اوقات فراغت و اهداف و کارکردهای آن چیست؟
- ۲- نحوه گذران اوقات فراغت در خانواده در محله چهارصد دستگاہ چگونه است؟
- ۳- آیا فضاهای تغذیه در محله چهارصد دستگاہ دارای سازوکار هویت مصنوع هستند؟

۱-۶- اوقات فراغت در لغت

واژه «اوقات فراغت» خود از دو کلمه «اوقات» و «فراغت» ترکیب شده است و که اوقات را در لغت به معنی جمع، زمان بیان گردیده است.

«فراغت» در لغت به معنی «آسودگی و آسایش» است و معمولاً در قابل اشتغالات و درگیرهای روزمره که نوعاً موجب خستگی می‌شود، به کار می‌رود.

«فراغت» در زبان انگلیسی برگردان اصطلاح (leisure) و از واژه لاتین (licere) است. (Ease) که به معنای آسانی، سهولت، رامت، فراغت، آسایش آمده است. (کوهستانی، خلیلی زاده؛ ۱۳۷۸: ۱۵)

۲-۶ تعاریف ارائه شده از اوقات فراغت:

اوقات فراغت: ساعاتی است که باید بدون اجبار صرف امور می‌شود که شخص به آن «تمایل» دارد و تا حد ممکن نباید با نفع اقتصادی همراه باشد یا منبع درآمدی برای شخص محسوب

گردد. بلکه باید به کسب تنوع، ایجاد سرگرمی فراهم آوردن امکانات رشد فکری و جسمی در راستای تعالی و رسیدن به ارزشهای معنوی منجر گردد.

دومازیه معتقد است، اوقات فراغت مجموعه فعالیتهایی است که مشخص پس از ارزشیابی از تعهدات و تکالیف شغلی، خانوادگی، اجتماعی با میل و اشتیاق به آن می‌پردازد و غرضش استراحت، تفریح، توسعه دانش یا به کمال رساندن شخصیت خویش یا به ظهور رساندن استعدادها، خلاقیت‌ها و یا بالاخره مشارکت آزادانه در اجتماع است در واقع دومازیه در این تعریف که یکی از جامعترین تعاریف می‌باشد علاوه بر ویژگی‌های اوقات فراغت به کارکردها و نتایج آن نیز اشاره کرده است.

۳-۶ اهمیت اوقات فراغت

اهمیت اوقات فراغت را بدون رجوع نخبگان فرهیخته دوران کلاسیک و اهمیتی که این اوقات برای آنها داشته است، نمی‌توان بیان کرد.

به عنوان مثال در نظر افلاطون و ارسطو، فراغت به معنای آزادی حرکت صعودی در زنجیره هستی در جهت نیل به استعداد و اصالت انسانی است. افلاطون نخستین نهاد آموزش عالی را که جد دانشگاه امروزی محسوب می‌شود بنا نهاد، تا مردم را به استفاده درست از آزادی فراغت آموزش دهد. بازتاب این میراث واژه یونانی فراغت است که از لحاظ ریشه شناسی منشا بسیاری از واژه‌های امروزی نظیر **School, scholarship** است. افلاطون کار و فراغت را در تقابل با یکدیگر قرار داده و تصور می‌کرد که کار زیاد نابخردانه است و این یکی از تعالیم اولیه آکادمی بود. مردم با کار بیش از حد ضرورت، دادن اهمیت افراطی به تجارت، دویدن در پی ثروت، شهرت و لذت، از آزادی

خود استفاده نادرست کرده و بردگی داوطلبانه را انتخاب می‌کنند. از نظر او فراغت صرفاً داشتن وقت آزاد برای خوابیدن بیشتر، خیالبافی یا بی‌حرکی نیست. فراغت فعال از نظر او یعنی (پرداختن به ورزش یا موسیقی، اشتغال به بحث‌های عمومی و فلسفه ورزی) و این نشانه انسان فرهیخته است.

آزادترین و انسانی‌ترین و سرگرم کننده‌ترین فعالیت فراغتی به نظر او فلسفه ورزی می‌باشد. در آتن باستان یک بخش عمومی گسترده یعنی یک زیر ساخت فراغتی وجود داشت که در آن افراد آزاد کارهای آزاد انجام می‌دادند و در کل می‌توان نتیجه گرفت که هم افلاطون هم و ارسطو اعتقاد داشتند تنها در زمان فراغت انسان می‌تواند به جستجوی استعدادهای نهفته خود بپردازد و آنها را شکوفا سازد. (کات؛ ۱۳۸۸، ۲)

اهمیت اوقات فراغت در دنیای مدرن:

اوقات فراغت پدیده‌ای جهانی است که در هر جامعه‌ای دیده می‌شود. وجود فعالیت‌های اوقات فراغت که در هر جامعه‌ای به لحاظ کیفیت و کمیت متفاوت باعث بوجود آمدن این پرسش می‌شود که اصولاً اهمیت این اوقات به چه دلیل می‌باشد.

برای بررسی پدیده اوقات فراغت یک برخورد تاریخی و اجتماعی نیاز است. (Ibrahim; 1996: 21)

و توجه به این دیدگاه بدون توجه و تعریفی از زمان ممکن نیست. انسان بدون زمان قابل مطالعه نیست. انسان در ارتباط تنگاتنگ با زمان است. در واقع «زمان» بخشی از انسان است و انسان درون «زمان» در ارتباط با آن معنی و مفهوم پیدا می‌کند. به اعتقاد لوفوریکی از تفاوت‌های بین انسان و حیوان در این می‌داند که انسان دارای زمان‌های مشخص و خاصی است که حیوان فاقد آن است. انسان نه تنها زمان‌های خاصی را دارا می‌باشند بلکه در راستای زمان تغییر نیز می‌کند. به عنوان مثال انسان نه تنها زمانهایی را به خوردن اختصاص می‌دهد، بلکه تنوع غذایی نیز دارد و توانسته آن را در طول سالها تغییر دهد. (Loufor; 1962: 340)

زمان از نظر او مجموعه لحظاتی مشخص و محدود است که انسان در درون آن به عمل یا اعمالی دست می‌زند در واقع زمان نهادینه شدن یک فعالیت خاص را برای انسان می‌رساند. (همان؛ ۳۴۸) با توجه به این نوع تعریف از زمان می‌توان گفت انسانها زمان‌های متفاوتی دارند به عنوان مثال زمان توجه به خانواده، زمان بازی، زمان جنگ و زمان فراغت.

با توجه به تعریف ارائه شده از (زمان) می‌توان وجود زمان اوقات فراغت را در جوامع گذشته به رغم وجود بیکاریهای فصلی و پنهان رد کرده لیکن با ورود دوران سخت و دگرگونی اجتماعی، کار و اشتغال روزمره انسان صورت سازمان یافته‌ای به خود گرفت و هویتی تازه یافت. از نیمه دوم قرن بیستم بشر در رفاه بیشتری به قرون گذشته برخوردار شده باعث شد که بسیاری از مردم برای تأمین زندگی خویش، کمتر مجبور به انجام کارهای سخت و سنگین باشند مدت کار روزانه آنها نیز کمتر شد. بطوری که در اکثر کشورهای صنعتی یک روز تعطیل هفتگی به دو حتی ۳ روز افزایش یافته است. تغییراتی در روابط اجتماعی اتفاق افتاد که منجر به فردگرایی بیشتر شد و

اوقات فراغت در جوامع صنعتی بوجود آمده همچنین به میزان زیادی از تعهدات اجتماعی اشخاص کاسته شده است. این نوع تغییرات اقتصادی و اجتماعی برای انسان غربی وقت فراغت تولید کرده و یا آن را افزایش داده است. این تحولی است که در میزان زمان اوقات فراغت در جوامع صنعتی، بوجود آمده است. در کشورهای در حال توسعه نیز تحولاتی در اوقات فراغت حاصل شده است. پیدایش شهرهای بزرگ در کشورها مبدأ این تحول بوده به طوری که گسترش ادارات دولتی و تعداد کارکنان آن، گسترش کارخانجات و تصویب قانون کار مهاجرت تعداد زیادی از مردم روستاها بخشها و شهرهای کوچک و کاهش ارتباطات اجتماعی سنتی همگی به

ایجاد وقت فراغت و یا افزایش آن دامن زده است. بسیاری اوقات فراغت را همچون خواب و خوراک یکی از نیازهای اولیه انسان می‌دانند.

Drive نیازهای انسانی چیزی است که با سائق متفاوت است و به معنای چیزی است که انسان جای آن را خالی می‌بیند و خلاء آن را احساس می‌کند. نیازها عمدتاً و ماهیتاً اجتماعی هستند. در میان مدل‌های مختلف ارائه شده برای نیازهای انسانی مدل مازلو کامل‌ترین است. به نظر مازلو، نیازهای انسانی عوامل درونی و ذاتی انسان هستند که در بدو تولد با انسان زاده می‌شوند. وی معتقد است که نیازها به صورت سلسله مراتبی هستند (Motalebi; 1998: 20) در سطح پایین این سلسله مراتب نیازهایی وجود دارند که

اولیه نامیده می‌شوند و دال بر نیازهای فیزیولوژیکی هستند (مثل غذا، خواب، مسکن) و در رأس این سلسله مراتب نیازهایی وجود دارد تا مرتبط با عوامل روان‌شناختی انسان مثل نیاز به خود شکوفایی (تحقق نفس) خلافت. (در بخش نیازها از نظر مازلو کامل توضیح داده خواهد شد.)

وی معتقد است که پیش از برآورده شدن نیازهای متعالی نیازهای پست‌تر انسان باید برآورده شوند. تیلمن با توجه به طبقه‌بندی نیازها از نظر مازلو ده نیاز را که به اعتقاد نیازهای فراغت مردم مهم هستند شناسایی کرده است که عبارتند از: ۱- نیاز تجربه‌های جدید مثل مسافرت و ماجراجویی ۲- نیاز به استراحت و تفریح ۳- نیاز به فعالیت جسمی و سلامتی. ۴- نیاز به کسب هویت (چیستی و کیستی) ۵- نیاز به امنیت یعنی ایمنی از تشنگی، گرسنگی و درد ۶- نیاز به برتری یعنی توان کنترل دیگران در محیط ۷- نیاز به تعامل و ارتباط با دیگران ۸- نیاز به عنایت ذهنی و خلافت ۹- نیاز به خدمت دیگران یعنی نیاز به مفید بودن ۱۰- نیازهای کاذب و فراغت. چه بسا در زمینه فراغت نیازهای خلق شود که اساساً ضرورتی نداشته باشد، این نیازها در واقع نیازهای کاذب هستند. بین آنچه که خود فرد می‌داند که به آن نیاز دارد و آنچه دیگران فکر می‌کنند او به آن نیاز دارد، تفاوت وجود دارد. مارکوزه معتقد بود که اجتماع فرد را به داشتن برخی نیازها ترغیب می‌کند که به هیچ وجه ضروری نیست. از همین رو می‌بینیم، که فرد به اتومبیل، تلویزیون، ویدئو و تلفن همراه نیاز پیدا می‌کند. مارکوزه این نیاز را نیازهای کاذب می‌داند. (رفت‌جاه؛ ۹، ۱۳۸۹)

در دسته‌بندی مازلو نیاز به احترام و عزت نفس در مقوله نیازهای متعالی جای گرفته است. این نیاز نه تنها شخصی، بلکه مقوله‌ای جمعی و گروهی است. بسیاری از گروه‌های انسانی و ملت‌های دنیا برای برآورده شدن این نیاز، به شرکت در المپیادهای علمی و ورزشی همت نموده و پیروزی در آن را موجب افزایش احترام دیگران به خویش می‌دانند. دومازیه به منظور شناخت مفهوم فراغت سه کارکرد برای آن بیان می‌کند: ۱- تأمین استراحت که نقش آن رفع

خستگی، جبران صدمات جسمی و روانی ناشی از هیجانات مداوم کار و انجام وظایف گوناگون می‌باشد. ۲- تفریح و کم کردن کسالت که نقش آن رهانیدن انسان از کسالت ناشی از یکنواختی و انجام وظایف در روزانه در کارگاه، دفتر و خانه و ... است. ۳- رشد شخصیت که انسان را از کارهای روزمره رهانیده و استعدادهای بدنی و ذهنی انسان را پرورش می‌دهد که در شکل‌گیری شخصیت فرد بی‌تردید مؤثر است. (کوهستانی دخیل زاده؛ ۱۳۷۸: ۶۶)

نیاز به خود شکوفایی نیازی است که می‌توان آن با سومین کارکرد اوقات فراغت تطبیق داد. اگر افراد بتوانند در زمانهایی که به فراغت خود اختصاص می‌دهند، زمانی را برای رشد شخصیت اختصاص دهند، مسلماً نیاز به خود شکوفایی خود را نیز ارضاء می‌کنند. از طرف دیگر برای برنامه ریزی فراغت، می‌توان از طریق ارزیابی نیازها از انگیزه‌های پنهان، علایق، افکار، عادات و خواسته‌ها و دانش افراد آگاه شد. لذا توجه به نیازها بسیار مهم ارزیابی می‌شود و از طریق اوقات فراغت می‌توان به نیازهای مکانی دست پیدا کرد و آنها را ارضاء کرد.

در دنیای مدرن اوقات فراغت را می‌توان صاحب چنین خصوصیتی دانست.

۱- دیگر مختص به طبقات اجتماعی بالا نیست بلکه تعمیم یافته است و با توجه به توسعه صنعت و فن، نه فقط گسترش، بلکه افزایش یافته است. پس از انقلاب صنعتی پیدایش دموکراسی نوین، تفریح و سرگرمی جزئی از زندگی مردم عادی شده است و اوقات بیکاری توده‌ها افزایش یافته است، لذا همگان می‌توانند از فعالیت‌های اوقات فراغت استفاده کنند.

۲- کاربرد روزافزون وسایل و اسباب ماشینی (چون اتومبیل و تلویزیون و...) سهم بزرگ در گذران فراغت داشته است.

۳- اگر طبقات کمتر جامعه از زمان محدود برای آسودگی و آزادی برخوردار بودند، این اوقات در درون خانه و خانواده صرف می‌شد و به صورت غیر رسمی و خودمانی، هم نشینی و محاوره با خویشان و دوستان می‌گذشت. اما هم‌اکنون تدریجاً رسمی‌تر و تجاری‌تر شده است.

۴- در باب جدا شدن اوقات فراغت و کار از یکدیگر رفته رفته اهمیت اوقات فراغت فراتر از کار شده است.

۵- اوقات فراغت همراه با فعل‌پذیری است. تماشای فیلم، نظارت مسابقات ورزشی - گوش دادن به رادیو.

دو شرط لازم برای پدید آمدن فراغت در دنیای جدید ۱- کار از شکل اجبار و فرهنگی و

اجتماعی درآمد و شکل مسئولیت آزاد فرد را دارد. ۲- جدا شدن کار از فعالیت‌های دیگر انسان.

(انصاری؛ ۱۳۷۹: ۱۶)

هم چنین فراغت با دو ویژگی خاص با تمدن صنعتی پیوند دارد. ۱- تحت تأثیر مراسم اجباری و

الزامات فرهنگی و اجتماعی نیست (گرچه آنها بی‌تأثیر نیستند و با اراده اختیار فرد سپری

می‌شود. ۲- از سایر فعالیت‌های ضروری زندگی روزمره نظیر خوردن متمایز است. (رفعت جاه؛ ۱۳۸۵: ۶)

۵-۶ کارکردهای اوقات فراغت:

برای درک فراغت ابتدا باید فعالیت‌های انسان بررسی شود. مجموع فعالیت‌های انسان را می‌توان در ۶ گزینه دسته‌بندی کرد.

۱- فعالیت شغلی: که یک مسأله اجباری برای امرار معاش می‌باشد. ۲- اضافه کار: که در تباین کامل با اوقات فراغت قرار دارد. ۳- کارهای مربوط به منزل: شامل خانه‌داری ۴- کارهای مربوط به احتیاجات زیستی: تغذیه، بهداشت، خواب و... ۵- فعالیت‌های بر مبنای تعهدات خانوادگی، اجتماعی یا معنوی دید و بازدیدها و... ۶- فعالیت‌های آموزشی: گذران یک دوره آموزشی برای ورود به یک محیط کاری یا آموزشی بر مبنای این فعالیت‌ها اوقات فراغت را این‌گونه تعریف می‌کردند: مدت زمانی که یک فرد از تمام تعهدات و تکالیف خانوادگی اجتماعی و شغلی آزاد است و می‌خواهد به میل خویش آن را بگذراند و مسلماً نمی‌تواند تفاضل ساعات کار و اوقات بیداری باشد. مسائل اجتماعی بسیاری بر روی اوقات فراغت تأثیر دارد و استفاده از اوقات فراغت و یا در حقیقت اختلاف یسن تفریح و بیکاری بستگی تام به اوضاع اقتصادی و اجتماعی یک جامعه و افراد آن دارد.

۶-۶ نحوه گذران اوقات فراغت

۱- رفع خستگی ۲- سرگرمی و تفریح ۳- فعالیت‌هایی که رشد و شکفتگی شخصی را یاری می‌کند و موجب ازدیاد معلومات و یا پرورش مقوله‌های انسانی می‌شود. اهداف و مقاصد و اوقات فراغت ۱- استراحت و تجدید قوا ۲- تفریح و بازی ۳- کسب اطلاع و تکمیل معلومات شخصی ۴- پرورش و شفتگی شخصیت از طریق اشتغال به امور ذاتی و فرهنگی و هنری ۵- نشست و برخاست با همگان ۶- کار خلاق و ایجاد آثار ۷- طلب‌رهایی از عادات زندگی و گریز به جهان تخیل روهم (فکوهی؛ ۱۳۸۴: ۳۷) و در نهایت اوقات فراغت تصویری از زندگی غیر موظف (انسان) را نشان می‌دهد. (کوهستانی، خلیل زاده؛ ۱۳۷۸: ۶۶)

۷-۶ فضاهای فراغتی در ایران

مفهوم اوقات فراغت در دوران متاخر و در تقابل آن با کار شکل گرفت. ابتدا اوقات فراغت به صورت ایام مرخصی و استراحت تعریف می‌شد. در حالی که در دوره پیش‌صنعتی چنین تفکیک و گسستی وجود نداشت. در دوره کشاورزی روزهای غیرکار بیشتر از روزهای کار اما به صورتی

منفعلا نه تجربه می شد و نه به شکلی سازمان یافته. از این رو شکل گیری فضاهای فراغتی را در ایران باید امری متاخر و مربوط به گسترش شهرها دانست.

در شهر باستانی و شهر اسلامی، اصلی ترین شکل گذران اوقات فراغت، گشت و گذار در شهر بود. این گذار با بازارها، مساجد، تکیه ها، خیابان ها و میدان ها. در طول دوران حضور در فضاهای عمومی شهر انجام می شد شهر اسلامی یکی از راه های شهرنشینان برای گذران اوقات فراغت، خروج از شهر بود. این بازگشت به غیر شهر و به طبیعت، معنایی نمادین داشته و راهی برای گریز از تنش های زندگی شهری نیز بوده است و باید گفت در شهر مدرن نیز هنوز به مثابه یکی از روش های اساسی «استراحت» مطرح است. با وجود این با گذشت زمان شاهد افزایش فضاهای فراغتی در درون شهرها بوده ایم و شهروندان تمایل کمتری به خروج از شهر داشته اند. در ایران اولین قرن ۲۰ (اواخر دوره قاجار) با ظهور شهر مدرن، این امر بروز یافت. ایجاد سینماها، چاپخانه ها، باغ ملی و باغ وحش و پارک ها در شهرهای بزرگ مؤید این امر است. در دهه های اخیر با تغییرات فرهنگی و اجتماعی وسیعی که پدید آمده شاهد افزایش فضا سازی برای گذران اوقات فراغت هستیم یکی از عوامل مهم در تحول گذران اوقات فراغت پیدا شدن اتومبیل است. از زمان پیدایش آن شکل گذران فراغت فرق کرده است. افراد هم بیشتر با خانواده ها هستند و با خانواده جابجا می شوند و هم امکان خروج از شهر (برای این که مثلاً در تعطیلات آخر هفته به سفر بروند) برایشان فراهم شده. توریسم هم افزایش یافته زیرا هم اوقات فراغت هم امکان تحرک و هم درآمد افراد الا رفته است. اما ورودی عناصر جامعه مصرفی به جامعه ما به نحوی انسان ها را متمایل به کار دوم دارند تا ماشین بهتر، خانه بیلاقی داشته باشند که عملاً سبب کمتر شدن فراغت می شود نه بیشتر شدن آن. در کشورهایی مثل کشور ما که در آنها خانواده و روابط خانوادگی هنوز قوی است شاید جوان ها جدا از خانواده اوقات فراغتشان را بگذرانند ولی زن و شوهر و کودکانشان فراغت را با هم می گذرانند (فکوهی؛ ۱۳۸۳: ۳۲۰)

فضاهای فراغتی یکی از حوزه های مهم مطالعات شهری است و فضاهای شهری وسیعی را در بر می گیرد از جمله ۱- فضاهای تغذیه نظیر رستوران ها، رستوران های غذاهای حاضری، کافه ها، کافی شاپ ها، کافی نت ها و نظایر آن که براساس مشخصات فرهنگی، اجتماعی مصرف کنندگان خود به شدت قشر بندی و تفکیک شده اند و بارهای معنایی خاص و نشانه هایی قابل مطالعه دارند.

۲- فضاهای ورزشی و ورزشگاه ها، سالن های ورزشی، باشگاه های تندرستی و بدنسازی، زمین های ورزش نوجوانان) این فضاها اغلب ایجاد خرده فرهنگ ها و روابط ویژه ای هستند.

۳- فضاهای بازی نظیر انواع کلوپ ها و باشگاه، بازی های فکری، فضاهای بازی درون آموزشگاه ها و دانشگاه ها، این فضاها غالباً با فضاهای ورزشی همپوشانی دارند.

۴- فضاهاى فرهنگى نظير سالن هاى كنسرت، تئاتر، سينما، كتابخانه ها، فرهنگسراها، موزه ها، نمايشگاه ها و جشنواره ها كه غالباً داراى جمعيتى متغير و ناپايدارند و مطالعه بر آنها كارى دشوار است.

۵- فضاهاى تفريحي متفرقه نظير پارک هاى تفريحي، مكان هاى گشت و گذار و ديدنى، آثار تاريخى در هر حال بر عهده دولت ها است كه فضاها و امكاناتى براى گذران فراغت فراهم كنند و گرنه خود افراد از طرفى كه همواره به نفع جامعه نيست راه حل هاى مى يابند. سياست فرهنگى بايد وسايل سودمندی براى فراغت ايجاد و مردم را به انتخاب آزادانه آنها راهنمايى كند. (همان، ۲۵۴)

۸-۶ خانواده و اوقات فراغت در مرحله چهارصد دستگاه:

خانواده با وجود تغييراتى كه داشته هنوز حتى در ميان جوانان از اهميتى اساسى برخوردار است. ارزش هاى كارى با فراغتى همواره نسبت به خانواده در مرحله دوم اهميت قرار داشته است. با اين حال ارتباط ميان اين سه حوزه همواره متأثر از پايگاه اجتماعى و اقتصادى بوده است. اگر چه اشكال زندگى خانوادگى بسيار گوناگون و متنوع شده است، شكل غالب آن در بيشتر كشورها به صورت خانواده هسته اى است. روابط ميان اعضا و نوع گذران اوقات فراغت بر حسب نوع خانواده متفاوت است با اين حال كلې (Kelly) در يك تقسيم بندى كاركردهاى اوقات فراغت را در خانواده هسته اى بررسى شمرد.

۱- اوقات فراغت فرصتى براى جوانان و نوجوانان است تا تعامل و ارتباطات خود را افزايش دهند. ۲- اوقات فراغت فضاى اجتماعى براى والدين است تا وقت بيشترى را به فرزندان خود اختصاص دهند ۳- اوقات فراغت فرصتى براى تلاش و توسعه در روابط خانوادگى است. ۴- همچنين فرصتى براى استقلال مى باشد ۵- اوقات فراغت فرصتى براى تصميم گيرى داوطلبانه اعضا است. (Kelly; 1995: 69)

دليل اينكه نگارنده سعى کرده اين بحث را در اين قسمت جاى دهد اين است كه از يك طرف خانواده در ايران هم چنان به شكل بسيار مشخصى كار كرد خود را داراست و از طرف ديگر بر طبق نظر Rapoport مسير زندگى هر فردى در گرو مشخص شدن سه خط ديگر مى باشد. ۱- كار ۲- خانواده ۳- اوقات فراغت (Rapoport; 1995: 46)

وى رشد فردى را در طول و زندگى هر كسى، تابع ارتباط اين سه مجموعه با هم مى داند بيان مى كند كه افراد تجربه ها و فرهنگ هايشان را در امتداد اين سه خط توليد مى كنند. در حالى كه اين سه خط مى توانند كاملاً متمايز باشند، خلاقيت انسانها در اين است كه مى توانند اين سه خط را تركيب كنند و راه هاى مشخصى را براى كل زندگى خود برگزينند. (همان ۴۸)

بر طبق این نظر خانواده اوقات فراغت از عرصه های بسیار مهم زندگی فرد می باشند. بر این اساس خانواده را در محله چهارصد دستگاہ می توان به چند دسته تقسیم کرد.

۱- خانواده گسترده: هر چند چنین خانواده ای در محیط های شهری رو به کاهش است ولی اثرات باقیمانده از آن در محله چهارصد دستگاہ بیشتر به شکل نگهداری از پدر یا مادر (یکی از والدین) (بیشتر مردان) در این محله دیده می شود. چنین حالتی در میان ۵ خانواده در محله چهارصد دستگاہ مشاهده شد. در بسیاری از موارد دیگر (پدر یا مادر) خود دارای منزل مسکونی بوده و صرفاً نگهداری از آنها بر عهده خانواده ها می بود. در این صورت درصدی از زمان فراغت خانواده صرف این مسئله می شد.

۲- خانواده هسته ای: که بیشترین پراکنش را در محله چهارصد دستگاہ داشتند از لحاظ دارا بودن اوقات فراغت می توان به چند دسته در میان محله تقسیم کرد: ۱- خانواده هسته ای که پدر شاغل است و مادر خانه دار، این شکل از خانواده که رایج ترین شکل خانواده در میان اهالی محله بود، باعث می شد که مدهایت زمان بندی اوقات فراغت بدست زنان بیفتد.

لذا شبکه معاشرت موسوم به سنتی در این خانواده ها وجود داشت. یعنی زنان مدیریت رفت و آمد بین خانواده خود را در دست داشتند و زمان بندی اکثر اعضای خانواده بر این اصول پایه ریزی می شد. البته ناگفته پیداست که مشکلات اجتماعی و اقتصادی افراد و پیدایش کار دوم، در کاهش این نوع از گذران فراغت بسیار مؤثر بوده است.

در این شکل از خانواده که در میان ۲ نسل از نسلهای محله چهارصد دستگاہ دیده می شد، گذران اوقات فراغت هم چنان به شکل معاشرت خانوادگی، بازیهای گروهی و در بسیاری موارد اعضای خانواده سعی می کردند فعالیت های مشترکشان را با هم انجام دهند مانند صرف غذا بخصوص در صبح یا شب، در برخی خانواده ها بحث و گفتگوهای خانوادگی بخصوص میان اعضای نسل اول (والدین) و اعضای که ازدواج کرده بودند (نسل دوم) مشاهده می شد.

در بسیاری از موارد، این مهم به این دلیل امکان پذیر می شد که اعضای خانواده حتی پس از ازدواج یا در محله ساکن بودند و در اطراف که بسیار محله نزدیک بود (نظیر ولیعصر- زمینهای خانم انصاری) ولی خانواده هایی نیز وجود داشتند که فرزندان آنها پس از ازدواج دور از آنها بودند در این صورت رفت و آمد با شبکه خویشاوندی که ساکن در محله بودند، مطرح می شد.

۲- خانواده هسته ای که زن و شوهر هر دو شاغل بودند: چنین خانواده ای که اکثراً در میان زوج های جوان مشاهده می شد. باز به دو قسمت زوج های درارای فرزند و زوج های بدون فرزند تقسیم می شوند.

در خانواده هسته ای که زوجین بدون فرزند شاغل می باشند، شبکه معاشرت موسوم به شبکه زوجی که روابط حرفه ای را در اوقات آزاد برقرار می سازد، مشاهده می شود. این معاشرت ها

رسمی تر است و ملاقات های سازمان یافته تر را در بر می گیرد و نسبت به شبکه معاشرت سنتی که به خانه به منزله مکانی برای صمیمیت و خصوصیت وابسته است پیوستگی کمتری با مکان دارد و در فضای بیرون از خانه صورت می گیرد در چنین حالتی که در میان اهالی محله گرچه دیده می شود ولی تعداد آنان محدود بودند، فعالیت های اجتماعی زوج های جوان به ملاقات با سایر زوج ها یا والدین و بستگان نیز اختصاص داده می شد.

توجه به این نکته ضروری است که محله چهارصد دستگاه یک محله قدیمی است که پیوند خانواده در آن همچنان از ارزش بالایی برخوردار است، ولی در قسمتی از محله که اهالی خود را متعلق به چهارصد دستگاه نمی دانند (مرسوم به خیابان قائم یا طالقانی جنوبی) پیوند خانواده ها به دلیل مهاجر نشینی و آپارتمان نشینی فراوان مانند محله، چهارصد دستگاه بر مبنای روابط خانوادگی نیست یا اگر هم هست بسیار کمتر می باشد.

خانواده هسته ای دارای فرزند و والدین هر دو شاغل به محض اینکه زوجی دارای فرزند می شوند، فراغت آنها اکثراً حول حضور در فضای خانه خود و یا والدین شان متمرکز می شود. این نوع خانواده که در میان اهالی فراوان دیده می شد، مشکل نگه داری از فرزندان آنها به هنگام اشتغال، از معضلاتی بود که گریبانگیر خانواده ها بود. البته وجود سه مهد کودک در محله حاکی از این مسئله بود که در بسیاری از موارد خانواده ها نهادهای رسمی را برای نگه داری از فرزندان خود انتخاب می کنند، ولی در مواردی این مسئولیت بر دوش خانواده والدین (اکثراً زنان) گذشته می شد، لذا بسیاری از زمان فراغت نسل اول صرف نگهداری از فرزندان فرزندانشان می شد. البته توجه به این نکته ضروری است که سن بچه ها و مسیر حرفه ای همسران بر روی انتخاب ها و محتوا و شریک های فعالیت های فراغتی تأثیر می گذارد.

در کنار این عوامل باید توجه داشت که عادات مصرفی هر کدام از خانواده ها عامل دیگری است که بر نحوه گذران اوقات فراغت در خانواده تأثیر فراوان دارد. (تبلیغات) (با تشویق آنها به خرید محصولات جدید یا برخی فعالیت های جدید به اعضای خانواده) بر روی عادات مصرفی و اوقات فراغت خانواده تأثیر دارد و در ضمن عادات مصرفی خانواده تحت تأثیر بایگه اقتصادی خانواده است (رفعت جاه؛ ۱۳۸۸: ۲)

۹-۶ فضای فراغتی در محله چهارصد دستگاه

امر فراغت بعنوان بخش جداگانه از زندگی اجتماعی انسان ها نیست و نمی توان به امر فراغت به عنوان نهادی که جدا از سایر نهادها و پدیده های اجتماعی است، نگریست بلکه آن به عنوان پدیده ای اجتماعی پیوندی متقابل با تمام نهادها از جمله (خانواده، کار، آموزش، مذهب و حکومت و...) دارد (Ibrahim; 1992: 87)

لذا بر طبق این نظر می توان عوامل مؤثر بر فراغت را نیز دسته بندی کرد که عبارتند از:

۱- سن ۲- جنس ۳- درآمد ۴- زمان ۵- نوع نگرشها و باورها ۶- فضا
زمان: صنعتی شدن و تکنولوژیکی شدن کار با افزایش میزان ساعات اوقات فراغت همراه بوده است.

سن: عامل کلیدی در اوقات فراغت می باشد. در سنین نوجوانی و سالمندی اوقات فراغت به بارزترین نحو خود را نشان می دهد. لیکن فعالیت های این دو دوره با یکدیگر متفاوت است. در دوران نوجوانی سینما رفتن، خرید کردن، رستوران و... به عنوان سالیها تلقی می شوند ولی در دوران سالمندی بیشتر باغبانی کردن تحت عنوان فعالیت اوقات فراغت مطرح است. درآمد: دسترسی به امکانات وسایل و با میزان درآمد و سطح اقتصادی افراد و رابطه مستقیم دارد. جنسیت: که نوعی ساختار اجتماعی است. برابر استنباط جامعه از رفتار و ویژگی ها و نقش های مناسب برای مردان و زنان مربوط می شود از جمله تقسیمات اجتماعی است که منجر به ناهمگونی و نابرابری در عرصه فراغت می شود.

نوع نگرشها و باورها: اینکه افراد یک جامعه به صورت سنتی و مذهبی نسبت به پدیده فراغت نگاه می کنند یا تصورات مدرن و غیر سنتی دارند در نحوه گذران اوقات فراغت تأثیر فراوان دارد.

فضا: از جمله عوامل بسیار مهم در نحوه گذران اوقات فراغت و همچنین عامل کلیدی آن است. برخی فعالیتها به عامل بیرونی و امکاناتی مانند آب، جنگل و... احتیاج دارد. معنا و کارکردی که مردم به فضا می دهند ثابت و جهانشمول نیست. یعنی همه مردم و همیشه فضا را براساس مقولاتی چون عمومی و خصوصی، محل کار و محل تفریح و... معنا نمی کنند. در بسیاری از موارد مردم معانی و موارد استفاده فضای فراغت به چالش می گیرند. مانند پیاده روها و پارک ها و میادین فضاهای فراغت نیز مورد اعمال محدودیت هایی قرار می گیرند و تحت ملاحظات سیاسی و فرهنگی دگرگون می شود و حتی قوانینی برای آن تدوین می گردد. با این حال مردم همواره مکانیزم های استفاده از زمان و مکان فراغت را مورد بازسازی قرار می دهند. فضاهای اوقات فراغت در محله چهارصد دستگانه همانند تقسیم بندی یاد شده به ۵ دسته: ۱- فضای تغذیه ۲- فضای ورزشی ۳- فضای تفریحی ۴- فضای فرهنگی ۵- فضاهای بازی می شود. در میان این فضاها که به ذکر اسم های آن بسنده خواهد شد فضای تغذیه به دلیل اهمیت که در شکل گیری شخصیت شهری دارد و مد نظر قرار گرفت. محله دارای ۱ کافی شاپ به نام (کافی شاپ کاظم) ۱ چاپخانه به نام (برادران) و ۲ رستوران سنتی به نام های (شبستان) (حیدربابا) و ۶ اغذیه فروشی به نام (رستوران جهان، بوستان جهان، جگرسرای ایلیا، دنیز و جهان نماو ایستگاه شکم) می باشد. همچنین محله قبلاً دارای پیتزا فروشی بود که به دلیل متفاوتی که شرح داده خواهد شد، بسته شده است.

همچنین دارای ۲ مطبخ غذا بدون داشتن مکانی برای غذا صرف کردن، است، به نام‌های (جلسی و سرآشپز) در تقسیم بندی که در فصل نشانه شناسی بیان شده است، محله به دو قسمت تقسیم می شود. در قسمت اول محله که دارای بافت قدیمی تر می باشد:

۱ کافی شاپ - ۱ رستوران سنتی - ۱ رستوران fast food به نام جهان و ۱ کباب سرا وجود دارد.

بسنی عمو کاظم: یک مغازه حدوداً ۳۵ متری می باشد که در ابتدای کوچه (شهداء سوم) واقع شده است. این مغازه که قدمتی بالغ بر ۲۰ سال دارد، مغازه ای دو درب، که در فروش آن تأثیر گذاشته است. این کافی شاپ (که هم چنان برای اهالی به عنوان مغازه شناخته می شود نه کافی شاپ) بیشترین تلاش خود را بر روی فروش بستنی سنتی متمرکز کرده است. هر چند آب میوه های فراوان و در ماه رمضان ها وجود زولبیا و بامیه در آن به چشم می خورد ولی در بیشتر اوقات تأمین کننده بستنی سنتی اهالی محله می باشد.

در مصاحبه های انجام گرفته توسط نگارنده هیچ یک از اهالی از این کافی شاپ برای گذراندن اوقات فراغت خود استفاده نمی کنند. دلایل بسیار فراوانی برای آن ذکر شد به عنوان مثال «چون که در یک محله سنتی است و محیط خوبی برای رفتن دخترها هم نیست.» (خانم الهام خوشبازان، ۲۸ ساله، ساکن کوچه چهارم) یا «فرهنگ آن خیلی پایین است» (مرضیه رشیدی، ۲۷ ساله ساکن لاله ۶) یا «آدم می خواهد برود در جای کوچکی مانند این مغازه؟، تازه جای خوبی برای گذراندن اوقات فراغت نیست، جاهای بهتری در کرج هست.» (علی دهقانی، ۲۷ ساله، ساکن کوچه اول) یا «مکان چندان جالبی نیست» (الهام اکبری، ۲۳ ساله، ساکن کوچه اول) دلایل بسیار متفاوتی برای استفاده نکردن اهالی از این مکان تغذیه وجود دارد.

۱- کوچک بودن متراژ آن

۲- داشتن تنها یک پرسنل (خود صاحب ملک معروف به کاظم بستنی فروش) و گاهی اوقات پسر صاحب ملک

۳- داشتن صندلیهای پلاستیکی نه چندان تمیز که برخی اهالی، نه فقط از آن به عنوان مکانی برای گذران اوقات فراغت استفاده نمی کردند، بلکه برای خرید بستنی نیز به عنوان اصلی ترین کار کافی شاپ، به مکانهای دیگری مراجعه می کردند ۴- استفاده نکردن صاحب ملک از دستکش یکبار مصرف (یکی از اهالی به نام علی دهقانی عنوان کرد). ۵- آشنایی بیش از حد صاحب ملک با افراد محله ۶- از دلایل دیگری که اهالی ذکر می کردند: «حال نمی دهد»، «زیاد بستنی دوست ندارم»، «نمی توانید یک نفر دیگر غیر از خودت را آنجا ببینی، اگر هم ببینی نمی توانی حرف بزنی چون آشنا می بیند» «وقت ندارم کارهای مهمتری برای انجام دادن دارم» لذا این کافی شاپ تنها در سطح محلی به تأمین بستنی، اهالی اقدام می کند.

در گفتگویی با صاحب کافی شاپ وی عنوان کرد که، تقریباً ۹۰ درصد فروش آن به دلیل مراجعه اهالی به آن می باشد، در پاسخ به اینکه چرا اهالی برای گذران اوقات فراغت به این مکان مراجعه نمی کنند، بیان کرد. "مردم به این مغازه می آیند و لیکن خیلی کم، نمی دانم چون معروف به بستنی فروختن هستم به خاطر همین دلیل مردم بیان می کنند خوب می توانیم بستنی را خانه نیز بخوریم یکی دیگر از دلایل هم این است که خیلی از آنها در نزدیکی مغازه زندگی می کنند، خوب می توانند در منزل خود با خانواده شان بستنی بخورند." (مصاحبه شفاهی با آقای کاظم ظریف زاده).

۲- رستوران جهان که fast food محله اغلب از آنجا تهیه می شود. اگر کافی شاپ عمو کاظم را برخی می گفتند، نمی شناسیم، بخصوص افرادی که در لاله های نزدیک به طالقانی جنوبی زندگی می کردند. رستوران جهان را اغلب می شناختند. مکان این رستوران به دلیل قدمت بالا (نزدیک ۱۵ سال) برای کل اهالی شناخته شده است. در مسیر گره (به تعبیر لینچ) قرار داشتن این رستوران باعث شناخته شدن هر چه بیشتر این مکان شده است. قبلاً این رستوران متعلق به یکی از اهالی بود ولی پس از مدتی وی به اجاره دادن آن مبادرت ورزید.

هم چنین این رستوران قبلاً شماره تماس برای پیک و... نداشت (مراجعه به تصاویر) ولی هم اکنون با تغییرات اصلاحی شیشه های آن را طوری طراحی کرده است که از بیرون که به آن نگاه شود، فضای داخل قابل تشخیص نمی باشد. (مانند بسیاری رستوران ها) این کار که در شناخته نشدن افراد داخل آن بسیار مؤثر بوده، به زعم بسیاری از اهالی تأثیر بسیاری در رفت و آمد اهالی به آن داشته است.

این رستوران با متراژ تقریبی ۳۵ متر و ۱۰ متر بالکن اکثراً به پخت ساندویچ گرم و سرد مبادرت می ورزد.

این رستوران در اجاره آقای مهدی موسوی می باشد که قبل از اینکه این رستوران را اجاره کنند، در یک ساختمان جوشکاری انجام می دادند. و این رستوران را ۳ سال است اجاره کرده اند. آقای موسوی در پاسخ به این سؤال که آیا اهالی این محل را به عنوان مکانی برای گذران اوقات فراغت انتخاب می کنند؟ پاسخ دادند: «نه زیاد، اکثراً چون آشنا هستند، ترجیح می دهند غذایشان را به منزل ببرند» وی گفت: «من مشتری خاص دارم که بومی است ولی بیشتر آنها غذایشان را به خونه می برند. نمی دانم شاید چون نمی خواهند کسی آنها را ببیند.»

بیشتر مشتریهای این رستوران به زعم آقای موسوی، افرادی خارج از محله می باشند که، به طور گذری رد می شوند. زیرا رستوران در محلی قرار گرفته که از یک طرف به درمانگاه محل که در مورد آن توضیح داده شده متصل می شود و از طرف دیگر به، استخر دانش به عنوان یک مکان تفریحی که افرادی خارج از محله به آنجا زیاد رفت و آمد می کنند. لذا مشتریهای غیر بومی،

زیادتر از افراد بومی هستند. وی در مورد فروش این رستوران عنوان کرد «فروش این رستوران قبلاً خیلی بهتر بود، چون روبروی آن یک ترمینال مسافربری و کارخانه بود و خیلی مشتری داشته است ولی الان که من اینجا هستم، خیلی کمتر شده، قبلاً این جا در روز بالای ۱۰۰۰ قرص نان فروش داشت ولی الان بیشتر از ۱۰۰ تا ۱۲۰ قرص نان در روز نمی شود.»

آقای موسوی بیان داشت که ساندویجهایی نظیر ۱- همبرگر مخصوص ۲- کوکتل ۳- جیگر ۴- سالاد الویه پر فروش ترین این ساندویچها می باشند. این رستوران با پنجرههایی که روی آن نوارسفید رنگ شده است و درب مشکی دارد، در حالی که حدود ۳ میز چهار نفره و ۲ تا صندلی تک نفره در آن به چشم می خورد، زیاد هم محبوب ساکنان محل نیست. صندلیهایی که گرچه چوبی است ولی کهنه و قدیمی شده، در هنگام ورود یخچال غذاها و ساندویچها در حالی روبروی درب ورودی قرار گرفته که با کاغذ آلومینیومی پوشانده شده است تا غذاها و نحوه پخت آنها از دیدرس مشتریان خارج شود. طبق بررسی های نگارنده به غیر از ساکنان جوان و نوجوان محله و در این گروه نیز اغلب جنس پسر، از این محل برای گذران اوقات فراغت استفاده نمی کنند. یکی از اهالی عنوان کرد که (یکبار که به طور اتفاقی از مقابل مغازه می گذشتیم مشاهده کردیم که مرغ را بدون هیچ نوع تزیناتی و به طور نامرتبی بر روی جوجه گردان گذاشته به طوری که به بیننده حس خوبی را نمیداد، شوهرم خیلی ناراحت شد و گفت این دیگر چیست؟ خیلی نامرتب است و از آن به بعد از ساندویجی خرید نمی کنیم.» «مصاحبه شفاهی با خانم رشیدی ۲۷ ساله، ساکن لاله ۶»

یکی دیگر از اهالی عنوان کرد: «بله خرید می کنم ولی در صورتی که همه fast food ها بسته باشد. جای چندان مناسبی نیست.» (آقای جواد سعیدیان، ۲۶ ساله، ساکن کوچه اول) بی نظمی و قدیمی بودن مغازه - کوچک بودن آن و اعتماد نداشتن در کیفیت و تمیز بودن ساندویچهای درست شده را یکی دیگر از اهالی عنوان کرد. (آقای احمدحاج میرزایی، ۳۰ ساله، ساکن کوچه سوم)

نمای رستوران از جمله مواردی است که می تواند در جذب مشتری تاثیر فراوان داشته باشد. طبق نظر راپاپورت مردم غالباً براساس خوانش نشانه های محیطی عمل می کنند و بیشتر تصورات از یک محیط مصنوع ثابت، به این نکته تأکید می کنند که محیط بیشتر از کالبد فیزیکی بر افراد اثر می گذارد. (راپاپورت؛ ۱۳۸۴: ۲۵) لذا این مسئله در مورد این رستوران صدق می کند. اغلب مردم بر حسب عناصر نیمه ثابتی (به تعبیر هال) چون انواع مختلف چیدمان صندلی ها، پرده ها، گیاهان و تابلوهای راهنما، ویتترین، در مورد مکان مورد نظر قضاوت می کنند و هر کدام از این عناصر معانی خاصی برای اهالی دارد.

نداشتن تزئینات جانبی از قبیل وجود گیاهان و پیچک‌ها به دور رستوران و هم چنین نبود مکانی جدا به عنوان سرویس بهداشتی در داخل رستوران، از مشخص‌ترین جنبه‌هایی که نگارنده به عنوان دلیل عدم محبوبیت رستوران در بین اهالی تمیز می‌دهد. در ضمن داشتن پیک رایگان یک شماره تلفن برای سفارش دادن را می‌توان یکی از راهکارهایی عنوان کرد که باز هم اهالی از این رستوران ساندویچ تهیه می‌کنند. نزدیک بودن، ساعات کار به نسبت طولانی آن (تا ۱۱/۳۰ شب)، خوش برخورد بودن صاحب رستوران، قیمت مناسب ساندویچهای آن را می‌توان از دلایل دیگری عنوان کرد که اهالی از آن یاد می‌کردند. در پایان باید به این نکته اشاره کرد که این رستوران بیشتر به عنوان مغازه ساندویچی شناخته شده است و هنوز در ذهنیت اهالی به عنوان رستوران شناخته شده نیست.

۳- رستوران پیشخوان- این رستوران که جدیداً در محل (حدود ۷ ماه) تأسیس شده است وابسته به کبابی است که قبلاً در شهداء ۴ چهارصد دستگاه وجود داشت. و قبلاً (کبابی عباس قهوه‌چی) به نام صاحب آن شناخته می‌شد. ولی اکنون عباس سر یزدی شخص مربوطه به دلیل سن بالا آن مغازه را تعطیل کرده است و روبروی آن مغازه‌ای جدید برای پسر خود تأسیس کرده است. این رستوران نیز با مشبک کردن شیشه‌های سفید خود مانع از دید فضای داخل رستوران شده است. این مغازه با متراژ ۵۰ متر و بالکن ۱۰ متر دارای مساحتی به مراتب بزرگتر از رستورانهای محل می‌باشد. این رستوران به دلیل تازه تأسیس شدن دارای میز و صندلی‌هایی به مراتب شیک‌تر و تمیزتر از سایر رستوران‌ها است. لیکن چندان محبوب نیست. بسیاری حتی آن را نمی‌شناختند. تنها دلیل اینکه این مغازه با وجود فروش بسیار کم هنوز به کار خود ادامه می‌دهد، این است که صاحب ملک، صاحب رستوران نیز هست، یعنی نیاز به اجاره دادن نیست. ضمن اینکه تقریباً می‌تواند تأمین‌کننده ۵۰ درصد پاسخگویان خود باشد. هر چند در این رابطه باید با رستورانهایی معروفی چون چلسی و سرآشپز رقابت کند. بسیاری از اهالی تنها کباب از این رستوران تهیه می‌کنند و به مانند بقیه رستورانها به عنوان محلی برای گذراندن اوقات فراغت به آن نگاه نمی‌کنند.

صاحب رستوران حاضر به مصاحبه نشد و لیکن از افرادی که برای گرفتن (کباب) به آنها مراجعه می‌کردند سوال شد، گفتند «کیفیت آن مثل سرآشپز نیست، ولی قیمت آن مناسب است، دلیل دیگر آن این است که به دلیل نزدیک بودن به محل زندگی ما هر زمان هوس کردیم، میتوانیم غذا تهیه کنیم. در بقیه موارد از سرآشپز خرید می‌کنیم یا کبابی سر لاله ۹» (آقای محمد تقی دهقانی، ۳۳ ساله، ساکن کوچه سوم)

ولی این رستوران شماره تلفنی برای سفارش تلفنی گرفتن ندارد و بسیاری از افراد مصاحبه شونده بخصوص افراد ساکن در لاله‌ها و خیابان قائم حتی آن را نمی‌شناختند و حتی یکبار هم در این ۷ ماه از آن خرید نکرده‌اند.

چایخانه برادران: این چایخانه نیز جدید التاسیس می‌باشد و لیکن توانسته محبوبیت نسبتاً خوبی در بین جوانان کسب کند. این چایخانه در ابتدای ورودی لاله ۶ واقع شده است و در آن، مانند قهوه‌خانه‌های قدیم فقط چای و قلیان سرو می‌کند. این چایخانه با ۳۰ متر متر از مغازه توانسته است، تا حدودی تأمین کننده نیاز جوانان برای اوقات فراغت باشد. هر چند تقریباً تبدیل به مکانی مردانه شده است. هیچ کدام از مصاحبه شوندگان دختر به آنجا رفت و آمد نمی‌کردند و دلیل آن را «آشنا بودن، خیلی پسر آنجاست و خیلی نگاه می‌کنند، بخصوص اگر بشناسند باید حتماً با برادر یا پدر بیایی، دوست نداشتن قلیان، محیط نامناسب فرهنگی» (خانم افسانه غلامی، ۲۳ ساله، ساکن لاله ۴) عنوان می‌کردند. و از طرف دیگر پسران جوان را می‌توان از مشتریهای ثابت آنجا فرض کرد و دلیل آن را «قیمت مناسب چایخانه، نزدیک بودن، آشنا بودن صاحب آن، و ساعات کاری به نسبت خوب آن تا ۱۱ شب عنوان می‌کردند.» (آقای جواد سعیدیان ۲۶ ساله ساکن کوچه اول).

کمتر خانواده‌ای به آنجا رفت و آمد می‌کند و خانواده‌ها اغلب ترجیح می‌دادند در رستورانهای خارج از محله گذران فراغت کنند. در مورد اینکه آیا از پنج کوچه اول و خیابان قائم کسی به این مکان رفت و آمد می‌کند. پرسیده شد، ولی صاحب رستوران بیان کرد «من خیلی آنها را نمی‌شناسم ولی آنهایی که می‌شناسم یزدی هستند و یزدیها خیلی به قلیان سرا نمی‌روند. حالا یا به خاطر پول است یا این تیپ آدمهایی نیستند، نمی‌دانم.» به طور کلی وی بیان کرد بیشتر مشتریهای چایخانه جوان و پسر و ساکن لاله‌ها یا ستاره‌ها هستند.

این ۴ رستوران و کافی شاپ تأمین کننده نیاز اهالی در پنج کوچه اول و لاله‌های چهارصد دستگاه و خیابان قیام و وحدت می‌باشند.

در خیابان قیام (معروف به رزندی) و هم چنان خیابان وحدت (معروف به صفا) علی‌رغم جمعیت به نسبت زیاد و رستوران یا کافی شاپی وجود ندارد. در گذشته در خیابان وحدت یک رستوران **fast food** مشغول به کار بوده است و تنها ساندویچ فلافل به فروش میرسانده است، ولی به گفته ساکنان به دلیل فروش پائین و اجاره بالا بسته شده بود. و هم چنین روبروی لاله ۹ پیتزا فروشی به نام «پیتزا دویار» وجود داشته است ولی آن نیز بسته شده است، گرچه اهالی مشکلات این رستوران را اختلاف با صاحب ملک می‌دانند نه فروش پائین آن.

نکته قابل ذکر در اینجا این است که در داخل هیچکدام از خیابان وحدت و قیام رستورانی وجود ندارد، (یعنی در داخل محله) ولی به محض رسیدن به ابتدای کوچه که در راستای خیابان طالقانی جنوبی قرار دارد و می توان رستورانهای متعددی مشاهده کرد.

و اما در خیابان قائم ۳ رستوران ۳ مطبخ و ۱ رستوران سنتی وجود دارد. در ابتدای این خیابان که مستقیم به خیابان وحدت متصل میشود، مطبخ چلسی، خود نمایی می کند. این مطبخ که قدمت آن به حدود ۳ الی ۴ سال می رسد، قبلاً به عنوان رستوران افتتاح شد ولی کم کم از رستوران به مطبخ تغییر شکل داد. این مطبخ زیرزمینی است که حدوداً ۷۰ متری می باشد.

پس از ورود به داخل مطبخ از طریق پله ها در سمت راست، درب شیشه ای که همیشه باز است، وجود دارد و آنجا محل آشپزی و نگهداری یخچالهایی خاص برای کباب، است.

و درست پس از پله ها پیشخوان وجود دارد که، محل گرفتن سفارشات تلفنی و تسویه حساب می باشد. مشاهده حدود ۳ میز چهارنفره در این فضا همچنان نشان دهنده کاربرد اولیه این مطبخ است. داشتن تلفن بسیار راحت و در تناسب با اسم مطبخ یکی از دلایل جذب مشتریان می باشد تلفن آن ۲۷۰۴۰۳۰ می باشد، لذا سفارش دادن بسیار آسان است و لیکن صاحب رستوران بیان کردند که پیک رایگان برای تحویل کباب ندارند و بسیاری از اهالی پس از تماس به مطبخ مراجعه می کنند و سفارششان را تحویل می گیرند. قیمت کباب (چلسی) مناسب و تقریباً با بقیه رستورانها فرقی ندارد، لذا طبق مصاحبه های انجام شده اولین انتخاب اهالی نمی باشد. صاحب رستوران عنوان کرد که: «بیشتر مشتریهای ما اهالی محله هستند و حدود ۱۰ درصد آنها گذری می باشند». (آقای مجید مرتضوی، ۴۰ ساله، ساکن چهارراه طالقانی)

نمای نه چندان جذاب این مطبخ، ورودی کوچک و پله داشتن و به زعم یکی از اهالی کیفیت نه چندان مناسب آن، تبلیغات کم این مطبخ باعث هرچه ناشناخته ماندن این مکان شده است. بسیاری از اهالی حتی آنهایی که ساکن کوچه های آن طرف مانند (عین الهی، ساجدی) بودند، این مطبخ را چندان نمی شناختند. در ضمن این مطبخ را نمی توان به عنوان فضایی برای اوقات فراغت تصور کرد.

ایستگاه شکم: این رستوران fast food که می توان یکی از شناخته شده ترین رستورانهای محل دانست با طراحی جالبی که در پشت شیشه آن انجام شده است، باعث جذب مشتری شده است. به این رستوران محلی برای صرف غذا یا تحویل سفارش است و داشتن تلفن آسان و پیک رایگان و تنوع ساندوچها، قیمت مناسب، ناشناس بودن صاحبان آن (صاحبان آن ساکن محل نبودند و هیچ آشنایی نیز در آنجا نداشتند) از دلایلی است که به عنوان فضایی برای گذران اوقات فراغت از طرف اهالی انتخاب می شد.

در مصاحبه با دختر صاحب رستوران بیان کرد که: «ما ساکن اینجا نیستیم، نمی دانم کی اهل اینجا هست و کی نیست ولی در حدود ۸۰ درصد فروش ما به اهالی محله است. خیلی ها همین جا غذایشان را می خورند. ساعات شلوغی اینجا اغلب ظهر و نزدیک غروب است. بیشتر ساندویچ گرم مثل سوسیس، کوکتل و... فروش داریم.» (خانم فرزانه مرندی، ۲۸ ساله، ساکن هفت تیر)

این رستوران نیز نمای چندان جذابی ندارد. شیشه های آن سفید و فضای داخل از بیرون قابل مشاهده نیست. درب این رستوران بزرگ ولی به دلیل فضای کوچک داخل آن وقتی درب آن توسط یک مشتری باز می شود به میز و صندلی نزدیک درب اصابت می نماید ولی صاحب ملک با ترفندی که باز گذاشتن دائمی درب می باشد، این مشکل را حل کرده است. این رستوران کوچک قابلیت شناسایی بالایی داشته، هم به دلیل قدمت آن (۶ سال) و هم به دلیل اینکه در میان راه اهالی برای رسیدن به چهارراه طالقانی قرار دارد.

جگرسرای ایلیا: این رستوران کوچک که به همراه مطبخ دنیز، در پشت پارک و همچنین در خیابانی وجود دارند که جدید التاسیس است، قابلیت تشخیص آنها برای اهالی که مسیر رفت و آمدشان از منطقه نیست، (لاله ها - کوچه های قائم) بسیار ناشناخته است و جدیداً به دلیل اینکه در پارک، تأسیس متروی کرج را شاهد هستیم و دیوار کشیده شده است، مانع بسیاری جدی برای دید داشتن آن وجود دارد. اهالی آن را اصلاً نمی بینند.

این جگر سرا فضایی برای نشستن در داخل رستوران و بیرون آن فراهم کرده است. در بیرون این جگر سرا تخت هایی مانند، رستوران سنتی، برای نشستن مشتریان تعبیه شده

است. این محل تقریباً اصلاً به عنوان محلی برای گذران اوقات فراغت برای اهالی انتخاب نشده است.

دلایل متفاوتی را می توان به لحاظ طراحی فضا برای آن برشمرد که مهمترین آن، ورودی های نامناسب و پله های منحنی آن هست. گر چه می توان پس از سفارش دادن به فضای بیرون برای نشستن مراجعه کرد، لیکن فضای بیرون به دلیل نداشتن سایه فراوان چندان محبوب افراد نبوده؛ لذا در روز مشتری کمتری دارد. در غروب، بخصوص پس از شلوغ شدن پارک می توان جمعیت متغیر و ناپایدار آن را مشاهده کرد. این جگرسرا به دلیل نوع غذای خود و هم چنین نورپردازی که در شب دارد خیابان را روشن می کند، و با این کار در پی جلب مشتریان بخصوص از سمت پارک می باشد. تفاوت آن با رستورانهایی که در قسمت اول محله هستند در تمیز بودن، و نوع جذب مشتری و تابلوی آن می باشد. داخل رستوران چندان نمی توان انتظار هوا را داشت و تاریک بودن نسبی آن در طول روز و همچنین در زمان پخت و پز گرم شدن فضای داخل را می توان از دلایل استفاده نکردن اهالی از این مکان دانست.

مطبخ دنیز: صاحب رستوران آن را به عنوان مطبخ می‌شناسد، لیکن وجود ۵ میز و صندلی ۴ نفره حاکی از آن است که این مکان صرفاً برای تهیه غذا نیست، بلکه برای صرف غذا نیز استفاده میشود. لیکن اهالی آن را انتخاب نمی‌کنند، در نتیجه کار خود را صرفاً به مطبخ اختصاص داده اند. این مطبخ دارای دو درب ورودی می‌باشد که در شناخته شدن آن بسیار مؤثر بوده است. یک درب آن به خیابان قائم که اهالی آنجا ساکن هستند باز می‌شود و درب دیگر آن به پشت پارک که جمعیت ناهمگن و متغیر پارک می‌توانند از آن استفاده کنند باز می‌شود. این مطبخ غذاهای سنتی ایران نظیر کباب، جوجه کباب و باتلفن آسان ۲۷۲۱۱۱۱ جذب هر چه بیشتر مشتری را در دستور کار خود قرار داده است.

مطبخ سرآشپز، این مطبخ با ورودی بسیار کوچک و زیرزمینی آن بسیار در میان اهالی مشهور و محبوب است. تبلیغات وسیع، سرویس رایگان، کیفیت بسیار بالایی غذای این مطبخ از دلایل شناخته شدن هر چه بیشتر این فضا در بین اهالی محل بوده است. از دلایلی که مطبخ دنیز و همچنین چلسی چندان فروشی در بین اهالی ندارند و حتی بسیاری آنها را نمی‌شناسند، وجود مطبخ سرآشپز است. این مطبخ که قبلاً در جایی غیر از چهارصد دستگاہ قرار داشت است، معروف بود و پس از نقل مکان کردن همچنان توانست محبوبیت خود را حفظ کند.

اغلب افراد مصاحبه شونده این مطبخ را شناخته و به طور متوسط در ماه یکبار سفارش غذا را به این مکان می‌دادند. لیکن این مطبخ نیز مکانی برای گذران اوقات فراغت نیست. رستوران جهان نما: که در انتهای خیابان قائم به سمت چهارراه طالقانی وجود دارد تقریباً برای هیچکدام از اهالی شناخته شده نبود و از آنجا خرید نمی‌کردند.

این مکان با ورودی نه چندان جالب و پله داشتن صرفاً ساندویچ سرو می‌کند. نکته در ناشناخته بودن این مکان برای اهالی است، دلایل این امر از فضای نامناسب آن برای حضور خانواده‌ها، کوچک بودن تا دور بودن مسافت آن به محله متغیر است. لیکن به دلیل در مسیر رفت و آمد قرار داشتن، بسیاری از مشتریان آنها غیربومی و متغیر هستند. صاحب این رستوران و رستوران سنتی شبستان حاضر به مصاحبه با نگارنده نشدند.

رستوران سنتی شبستان: محل قرار گرفتن این رستوران نشان دهنده نوعی اختلاط فضایی - فرهنگی است. این رستوران در پایین یک ساختمان ۱۲ طبقه قرار دارد که در این ساختمان از دفتر و کالت تا آرایشگاه زنانه وجود دارد. اختلاط فضاهای کار در این مکان یکی دلایل نامناسب بودن این فضا برای گذران اوقات فراغت ذکر می‌شود.

ورودی این رستوران بسیار کوچک و از دیدرس عموم خارج است. به طوری که پیدا کردن آن برای نگارنده با کلی تلاش همراه بود. این رستوران با وسعت فضایی بزرگ و داشتن تشریفات

گیاهی در داخل رستوران، تخت هایی که برای نشستن اهالی تعبیه شده تمیز و راحت می باشند. غذاهای سرو شده مانند بسیاری از رستوران های سنتی (انواع کباب و جوجه و...) می باشد و ضمن اینکه حضور در این مکان لزوماً سبب از بین رفتن ناشناسی آن نمی شود.

از میان افراد مصاحبه شونده تنها دو نفر (هر دو پسر و جوان) این مکان را شناسایی کردند و دلیل آن را رفت و آمد فراوان به رستورانهای سنتی می دانستند. (آقایان مهدی دهقانی، ۲۷ ساله و ساکن کوچه اول و محمود دره شیری، ۲۲ ساله و ساکن کوچه پنجم) در حالیکه در تمام رستورانهای یاد شده (نه مطبخ ها) شاهد سرویس دهی یک نفر (نهایتاً دو نفر) به مشتریان هستیم، داشتن ۵ فروشنده و سرویس رایگان میتواند نشان دهنده ی فروش بالای این رستوران سنتی می باشد.

از دیگر فضاهای فراغت در محله می توان به فضای ورزش (استخر دانش - سالن شهرداری) فضای فرهنگسرا (تالار فلاح نژاد) فضای بازی (کافی نت پاسارگاد) و فضای تفریحی (پارک بوستان جهان) نام ببریم. بیشترین استفاده اهالی از فضای پارک می باشد. این پارک که قبلاً باغ بوده است (در تاریخچه ذکر شده است) از جمله فضاهایی است که افراد محله به عنوان مکانی برای اوقات فراغت استفاده می کنند. لیکن یک فضا به تعبیر راپاپورت می تواند صحنه های فراوانی داشته باشد. در حالی که یک فضای فراغتی برای برخی فضای تفریحی است، برای برخی دیگر عرصه کار می باشد و هم چنین این فضا می تواند دش کارکرد نیز داشته باشد. پارک بوستان جهان نیز همین طور است. این پارک به دلایل بسیار متفاوتی از جمله، آسیب های اجتماعی، در تحقیق جداگانه ای بررسی شده است. نتیجه گیری:

گذراندن اوقات فراغت هم چون خواب و خوراک یکی از نیازهای اساسی اولیه انسان است. اگر به این نیاز به درستی و در زمان مناسب پاسخ داده شود، می تواند سبب رشد روحی و افزایش توان و انرژی فردی و در نتیجه بهره وری و بازده بیشتر کاری و نشاط و پویایی اجتماعی گردد. محیط مصنوع ما ادامه فرایند تفکر ما و زاینده ی اندیشه و نیاز انسان هاست. فضاهای فراغتی نیز بسیار مهم است. فضای تغذیه از جمله مهمترین فضاهایی است که می تواند در شناخت استفاده کنندگان آن و در نهایت فرهنگ و شناخت هویت آنها به ما یاری برساند.

از آنجا که این فضاها در راستای شناخت هویت قومی و جماعی محله است، براساس نظریه راپاپورت که عقیده داشت، براساس معانی محیط می توان به هویت ساکنان آنان پی برد و هویت از نظر او نوعی تمایز گذاری میان خود و دیگری است که در زمانها و مکانهای متفاوت تغییر

نمی‌کند، چنین نتیجه گرفت که وجود رستوران‌هایی با وسعت کم و مشتریان محلی و نداشتن زیبایی معماری در بخش اول محله، نشان از استفاده نکردن اهالی از این فضاها دارد که ۳ دلیل می‌تواند داشته باشد:

۱- دلیل فرهنگی: افراد محله اکثراً (بخصوص قسمت اول) مهاجر یزدی یا کرمانی هستند، لذا فرهنگ اینکه در منزل غذا درست شده و صرف شود، همچنان اهمیت خود را دارا می‌باشد. همچنین همچنان که ذکر شد یکی از مهمترین زمان‌های اوقات فراغت خانواده در این محل، به فعالیتهای دسته جمعی یعنی غذا خوردن اختصاص دارد، لذا استفاده از رستوران آن هم در داخل محل چندان مرسوم نیست. هم چنین آشنایی بیش از حد اهالی با یکدیگر باعث شده که افراد محله از رستورانهای داخلی محله و حتی خیابان قائم استفاده نکنند.

۲- دلایل اقتصادی: مردم محله به لحاظ اقتصادی در سطح متوسط هستند. لذا اغلب اهالی از پارک به عنوان مکانی که چندان خرجی برای آنها ندارد، استفاده می‌کنند. با توجه به اظهارات مصاحبه کنندگان حتی استفاده از استخر دانش (با وجود نزدیک بودن به محله) به دلیل هزینه بالای آن برای مردم امکان پذیر نیست.

۳- دلایل کالبدی: نظیر فضاهای داخل و بیرون رستوران، واقع شدن رستورانها در کنار لبنیاتی (رستوران جهان) یا مکانیکی (چایخانه برادران) نماها و تزئینات (عناصر نیمه ثابت) نه چندان جذاب که بسیار بر جذب مشتری تأثیر دارد، باعث شده است که از این فضاها استقبال چندانی نشود.

در قسمت دوم محله: رستورانها ۱- دارای فضای بازتر، تزئینات بیشتر و حداقل در برخی ورودیها شاهد نوعی دستکاری در قالب جذب مشتری هستیم. همچنین رستوران‌هایی که در این محل واقع شده‌اند، در فضایی قرار ندارند که خانه‌ای وجود داشته باشد، لذا در جذب مشتری از یک طرف موفق هستند، (زیرا ناآشنایی را از بین نمی‌برند) و از طرف دیگر به دلیل اینکه اهالی آنها را چندان نمی‌شناسند، موفق نیستند (به جز مطبخ‌ها نظیر چلسی و سرآشپز).

به طور کلی می‌توان بیان کرد فراوانی رستورانها در محله قائم حاکی از این دارد که هر چند برای اهالی چندان قابل شناسایی نباشند، می‌توان گفت به لحاظ داشتن مشتری گذری موفق هستند. و به این دلیل رسیدگی به این مکانها بیشتر و قابل توجه تر است. در حالی که رستوران‌هایی که در محله چهارصد دستگاه (به زعم مردم قرار گرفته) علیرغم مشتری محلی داشتن، چندان به نماها و فضای بیرون و داخل توجهی نمی‌کنند.

و در نهایت هویت به معنای گفته شده در صحبت‌های مغازه داران و افراد محله به چشم می‌خورد، یعنی اهالی متعلق پنج کوچه اول و لاله‌ها اصلاً رستورانهای اطراف خیابان قائم را به جز مطبخ سرآشپز و ایستگاه شکم به خاطر در دیدرس بودن نمی‌شناختند و از آنها به عنوان

افرادی که غیرخودی هستند، یاد می کردند. به عنوان مثال "ما آن طرفها نمی رویم" یا «آن طرف و رستورانهایش با محله ما فرق می کند». یا «من از رستورانهای آن طرف محله خوشم نمیاید، خیلی بد نگاه می کنند.» از طرف دیگر اهالی خیابان قائم نیز، همین طور بودند. رستورانهایی که در محله چهارصد دستگاہ وجود داشت، مورد تأیید آنها نبود. به عنوان مثال «من آگه بخوام بروم آنجا، میروم سر چهار راه، هم نزدیک تراست و هم تمیزتر» و «من ایستگاه شکم را با اینکه کوچیک است به رستورانهای آن طرف محله ترجیح می دهم». لذا می توان از دو نوع هویت بوجود آمده صحبت کرد، که در فضاهای تغذیه به چشم می خورد.